صادرات غیر نفتی

عسگراولادی، اسدالله

اقتصاد و دارایی و در سال‏های(73-1372)مشاور رئیس‏ جمهور در امور اقتصادی بوده است از اعتبار یک مدیر آگاه و مطلع از مسائل پولی که طی دوران اول مسئولیت خود در بانک مرکزی تورم را تحت کنترل درآورده از اعتبار و حسن‏ سابقه خوبی برخوردار است.وی قول داده است با اتخاذ سیاست‏های بانکی ثابت،اعتماد را به سیستم بانکی‏ بازگرداند و نیز ارتباط بازرگانانه مابانه‏تری با بانک‏های‏ بسیار محافظه‏کار خارجی برقرار کند.

به رغم تلاش‏های آقای نوربخش،هنوز نرخ رشد نقدینگی ایران از میزان نرخ تعیین شده از سوی مجلس که‏ 15 درصد در سال می‏باشد بیشتر است.شاخص M1 بین‏ سال‏های 72 تا 74 هر سال حدود 30 درصد افزایش داشته‏ است.هرچند که وی تلاش نموده تا نرخ افزایش را کاهش‏ دهد.عرضه شبه پول در شش ماهه نخست سال(74 تا 75)،فقط حدود 5/9 درصد افزایش پیدا نمود که با رقم‏ 2/13 درصد طی همین دوره در سال 73 قابل مقایسه‏ است.اما افزایش تخمینی 20 درصدی برای سال 75- 74 هنوز به‏طور زیان‏آوری بالاست و دست از تلاش برای‏ شناور نمودن مجدد نرخ ارز در سال 75 و 76 باز خواهد داشت.زیر رها کردن سیستم نرخ ارز ثابت به احتمال‏ بسیار زیاد،کاهش شدید نرخ ریال در مقابل دلار را در پی‏ خواهد داشت.نوربخش خواهان روشی بازتر برای‏ انتخاب‏های سرمایه‏گذاری در بورس اوراق بهادار تهران و بازنگری فاصله زیاد میان سود بانک‏ها و نرخ تورم‏ می‏باشد.در هر صورت وجود انجام اصلاحات اساسی در کلیه بخش‏های مالی،تلاش‏های بانک مرکزی برای مهار رشد نقدینگی در دوره پیش‏بینی شده احتمالا ناکافی‏ باقی خواهد ماند.

روند آینده سیاست‏های پولی

با در دست گرفتن زمام امور بانک مرکزی،نوربخش دو هدف عمده بازگشت مبادلات بین المللی به وضعیت عادی‏ و بهبود عملیات بانکی داخلی را سرلوحه سیاست‏های خود اعلام نمود.در مورد هدف نخست در بازگردانیدن توان‏ اعتباردهی بانک مرکزی موفق بوده است.اعتباری که‏ پس از بحران بدهی‏ها در سال(72-71).زیر سوال قرار گرفته بود.و در مورد هدف دوم به‏هرحال هنوز بانک‏های‏ محلی در حمایت کردن از تصمیمات بلند مدت بازرگانی به‏ ویژه صادرات غیر نفتی کوتاهی نموده‏اند.نوربخش احتمالا بهره‏گیری بیشر بخش خصوصی از تسهیلات اعتبار صادراتی را تشویق نموده و در همین راستا حذف برخی‏ عوارض گمرکی را نیز برای صادرکنندگان کالاهای غیر نفتی دنبال خواهد نمود.

درباره: صادرات غیر نفتی ایران

اسداله عسگراولادی

هرگاه سخن از صادرات به میان می‏آید ذهنیت برخی‏ کسان این‏چنین حکم می‏دهد که می‏خواهند کالاهای‏ ضروری و مورد نیاز ما را برای تحصیل سود در اختیار دیگران قرار دهند و ما را نیازمند این و آن کنند.درحالی که‏ این کسان غافل از آنند که صادرات ضرورت زندگی و اساسی‏ترین عامل بهبود اقتصاد کشور است.

از آن‏جا که آدمیان از آغاز شناخت خود به درستی‏ دریافتند که به تنهائی قادر به تأمین همهء نیازهای خود نیستند و لذا برای تأمین نیازمندیهای خود الزاما بایستی‏ بخشی از آنچه را خود به تنهایی به دست آورده‏اند به‏ دیگران واگذار کنند تا آنها نیز به مقابله با مشکل بپردازند، کار مبادله کالا در ابتدایی‏ترین شکل آن آغاز شد و به‏ گونه‏ای روبه رشد و توسعه نهاد.در سده‏های اخیر اقتصاد جهان براساس برنامه‏های سنجیده از حالت سنتی روبه‏ علمی-تجربی نهاد و تامین نیازها از مبادله کالا میان‏ افراد،شهر و ده به گونه‏ای وسیع و وسیعتر توسعه یافت و حالتی جهانی و فراگیر به خود گرفت.

در کشور ما تا اوایل سده‏ی اخیر میلادی به لحاظ زندگی‏ بسته و قانع و بدون ارتباط کافی با خارج،ضرورت‏ برخورداری از منابع سایر کشورها و مبادله کالا در سطح‏ وسیع آنچنان‏که باید درک نشده بود.اما با ورود خارجیان‏ برای استخراج نفت و فروش آن به کشورهای صنعتی و این‏ واقعیت که ارزش مقابل آن را چگونه باید دریافت و به‏ مصرف برسانیم که منجر به رفاه عمومی شود سبب شد که‏ ما نیز در جرگه دادوستدهای جهان قرار گیریم و لذا آغاز به ایجاد و تاسیس بنگاههای تا حدودی متناسب و مورد نیاز کردیم و با فروش نفت بخش عمده نیازهای خود را از محل فروش آن تامین و به سامان دادن زندگی ملی خود همت گماردیم.اما با سیاسی شدن نفت در معاملات‏ بین المللی و بهره‏گیری از آن بصورت اهرم فشارهای‏ سیاسی و اقتصادی،کشور ما نیز از این برخوردها کنار نماند و لذا این اندیشه که نباید استخراج و فروش نفت تنها ممر و منبع درآمد ما باشد در اذهان قوت گرفت و به صورتی‏ عمومی درآمد واقعیتی که امروزه به صورت شعار صادرات‏ غیر نفتی تجلی یافته است.

به هر تقدیر باید یادآور شد که صادرات غیر نفتی را دست کم در ایران باید در چهار گروه بشرح زیر تقسیم کرد:

-صادرات خدمات توریستی-مشارکتهای خدماتی و سرمایه‏ای در خارج-صادرات کالاهای سنتی و در نهایت‏ صادرات کالاهای صنعتی.

پذیرفتنی است که مسئولین اقتصادی کشور همراه با سعی و کوشش بر آن بوده‏اند که برای توسعه فعالیتهای‏ مورد اشاره از هیچ‏گونه کمک فکری و سرمایه‏گذاری دریغ‏ نورزند و به نحوی اقدام کنند که دست‏اندرکاران فعالیت‏ های اقتصادی بتوانند از فرصتهای ایجاد شده و یا در انتظار نهایت بهره‏برداری کنند.

و اما در شرایط کنونی که به عنوان مشوق تولیدکنندگان و صادرکنندگان عهده‏دار وظیفه‏ای سنگین هستیم که جز هدایت و به احتمال اظهارنظرهای برخاسته از تجارب‏ سالیان دراز فعالیت در زمینه صادرات و دیگر فعالیتهای‏ اقتصادی نیست.بنابراین بدوا باید یادآور شوم که‏ نخستین گام در جهت توسعه صادرات آنست که برای‏ تشویق صادرات از کارگاهها و واحدهای تولیدی و کارخانجات بطور اعم خواسته شود همه ساله درصدی از تولید خود را(بطور نمونه ده درصد)فقط برای صادرات‏ در نظر بگیرند و از این راه بخشی از ارز مورد نیاز خود را برای‏ تامین مواد اولیه و وسایل یدکی تامین کنند.سپس از آنان‏ خواسته شود با توجه به خواسته بازارهای جهانی کیفیت‏ کالاهای تولیدی خود را بهبود بخشیده افزایش دهند و در زمینه بسته‏بندی و نحوهء توزیع خود را با شرایط و سلیقه‏ بازارهای صادراتی تطبیق دهند.

در برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی‏ کشور که سالهای 1369 تا 1373 را در بر می‏گرفت‏ پیش‏بینی صادرات تحصیل هفده میلیارد دلار بود که با کوشش و همت همه دست‏اندرکاران،بویژه صادرکنندگان‏ کالا به حدود 70 درصد آن دست یافتیم و چنانچه صادرات‏ نامرئی،یعنی ارزش فروش و وصول بالاتر از اقلام ذکر شده‏ در اسناد رسمی را هم منظور نظر کنیم بی‏تردید درصد فوق به 80 درصد افزایش خواهد یافت.

در برنامه دوم توسعه پیش‏بینی شده است حدود 27 میلیارد دلار از محل صادرات تحصیل خواهد شد.اما اکنون‏ با توجه به ارقامی که از سوی گمرکات کشور اعلام شده‏ است رقم درآمد حاصل از صادرات طی سه سال اول برنامه‏ بالغ بر ده میلیارد دلار بوده است که چنانچه ارقام نامرئی و ذکر نشده در اسناد رسمی را هم در نظر بگیریم به احتمال‏ حدود 15 میلیارد دلار صادرات داشته‏ایم و بدینسان به 65 درصد هدف دست یازیده‏ایم و لذا 35 درصد دیگر را باید طی دو سال دیگر تحصیل درآمد کنیم.به بیان دیگر اگر بخواهیم به کل درآمد پیش‏بینی شده در برنامه دست‏ بیابیم در این صورت باید طی دو سال آینده 11 میلیارد دلار صادرات داشته باشیم.واقعیتی که با مقررات و شرایط موجود به نظر نمی‏رسد کاری سهل و آسان باشد و به‏ احتمال غیر مقدور خواهد بود.اما به نظر می‏رسد با تغییری ساختاری در نظام صادراتی کشور تامین هدف دور از دسترس نباشد.

اما مورد دیگر که بحث درباره آن خالی از فایده نیست و به احتمال قوی بی‏اندازه مفید خواهد بود درخواستی که‏ تسلیم صادرکنندگان می‏شود و آن این است که‏ صادرکنندگان عزیز بکوشند کیفیت کالا و بسته‏بندی‏ کالاهای صادراتی خود را بهبود بخشند.هرچند آگاهم که‏ برخی از صادرکنندگان از هیچ تلاشی در این زمینه فروگذار نیستند ولی بر این اعتقاد راسخ و باور راستین هستیم که‏ چنانچه همه صادرکنندگان کوشش کنند هر سال بیش از سال پیش در زمینه بهبود کیفیت کالا و بسته‏بندی گامی‏ به پیش نهند بی‏هیچ شک و تردیدی در کوتاه‏مدت به‏ بزرگترین صادرکننده کالاهای غیر نفتی در منطقه تبدیل‏ خواهیم شد.

با توجه به تصمیم اخیر شورای عالی صادرات که به‏ صادرکنندگان اجازه میدهد معادل صددرصد ارزش‏ صادرات خود کالا وارد کنند،یا صددرصد ارز حاصل‏ از صادرات را در بورس بفروش برسانند بازار اکثر کالای‏ صادراتی با رونق جدید همراه شد.

تقاضا و توقع از صادرکنندگان این است که سعی کنند قسمت عمده‏ای از درآمد حاصل از تصمیم اخیر دولت را به‏ تولیدکنندگان اعم از کشاورزان و باغداران و کارگران منتقل‏ نمایند تا واحدهای تولیدی تقویت گردند و این درآمد را بخریداران خارجی منتقل ننمایند-یعنی آن کمک باعث‏ نشود که در قیمت‏ها بخریداران خارجی تخیف داده شود که مجددا دریافت‏های ارزی کمتر شود.

انشا الله